

معرفی و نقد کتاب

گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران (۱۳۸۰-۱۳۹۰)

مینا هلالی ستوده *

مسائل زنان، همانند مسائل بسیاری از گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر در جامعه ایران، تنها چند دهه است که هدف تأمل و بحث قرار گرفته است. در این میان، پژوهش‌های اندکی را می‌توان یافت که فرصت و امکان خوبی برای ارائه بحث‌های راهگشا فراهم آورده‌اند. کتاب گزارش وضعیت اجتماعی زنان، به‌منزله کوششی در جهت شناخت وضعیت زنان در دهه ۱۳۸۰، یکی از این نوع اقدامات موفق به‌شمار می‌آید. این مجموعه دومین اثر ملی مؤسسه رحمان (رشد، حمایت، اندیشه) است که از سال ۱۳۸۶ با هدف شناخت علمی و رصد آسیب‌های اجتماعی ایران و آینده‌نگری درباره آن تشکیل شده است. اثر نخست این مؤسسه، کتاب گزارش وضعیت اجتماعی ایران^۱ است که بررسی مسائل زنان و برخی گروه‌های آسیب‌پذیر دیگر را در اولویت قرار داده است. کتاب گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران (۱۳۸۰-۱۳۹۰) در سال ۱۳۹۴ به‌کوشش نشر نی منتشر شد و در سال ۱۳۹۵ به چاپ دوم رسید. این کتاب به‌همت فاطمه جواهری، مدیر طرح، و با گردهم‌آمدن چهل‌نفر از پژوهشگران و استادان دانشگاه درباره ۲۴ موضوع مربوط به زنان تدوین شده است. این نوشتار بر آن است تا به‌اختصار نشان دهد که این کتاب چه تصویری از وضعیت و مسائل زنان ایران ترسیم کرده است و با دیگر آثار منتشرشده درباره زنان چه تمایزهایی دارد.

Sotoodem@yahoo.com

* دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه اصفهان

^۱ این گزارش به همت دکتر سعید مدنی و همکاری پژوهشگران و صاحب‌نظران به‌نام کشور در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است.

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۵

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۸۷-۱۹۷

محتوای کتاب

در مقدمه کتاب اهداف توصیفی، تحلیلی و کاربردی آن به شرح ذیل بیان شده است:

- شناسایی و تشریح ابعاد گوناگون وضعیت زنان ایرانی در طی دهه ۸۰؛
- مقایسه وضعیت زنان در سطح مناطق گوناگون کشور و نیز وضعیت زنان ایرانی با زنان برخی از دیگر کشورها؛
- تحلیل و تبیین زمینه‌ها و علل مرتبط با محدودیت‌ها و مشکلات زنان؛
- طرح پیشنهادهایی کاربردی برای ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی زنان و تحقق عدالت جنسیتی (صفحه ۱۰)؛

چهار هدف ذکرشده در این مقدمه، چارچوب کلیه مقالات را تشکیل داده است. بر مبنای همین اهداف، مقالات تحت بررسی و بحث قرار می‌گیرند.

مقاله‌ها در سه سطح خرد، متوسط و کلان دسته‌بندی و تفکیک شده‌اند. به دلیل وجود برخی محدودیت‌ها، معرفی تفصیلی تک تک مقالات امکان‌پذیر نیست. بنابراین، در این مجال صرفاً به ارائه‌ی نمای کلی از بحث‌های ارائه‌شده و محورهای کلیدی‌شان اکتفا خواهد شد.

سطح خرد تحلیل، شامل سه مبحث سیمای جمعیتی، آموزش و سلامت زنان است. یافته‌ها نشان می‌دهند که زنان در موضوع امید به زندگی،^۲ در طی چند دهه اخیر، وضعیتی بهتر از مردان داشته‌اند. امید به زندگی زنان، که در سال ۱۳۵۵ کمی کمتر از مردان بود، در سال ۱۳۹۰ بیش از امید به زندگی مردان شده است. در تحصیلات^۳ ابتدایی و راهنمایی، بی‌عدالتی جنسیتی به ضرر دختران بوده است. با وجود پایین‌تر بودن میزان ثبت‌نام ناخالص برای دختران نسبت به پسران، این روند طی سال‌های اخیر کاهش یافته و باعث شده است در سال ۱۳۹۰ میزان بی‌عدالتی در دوره ابتدایی به سطح بسیار اندکی برسد. همچنین، در دهه ۱۳۸۰، نسبت حضور زنان در دانشگاه در مقایسه با مردان افزایش یافته است. مهاجرت^۴ تحصیلی و تبعی دو نوع مهاجرت مهم برای زنان در جامعه ایران است. بیشتر مهاجرت‌های تحصیلی موقتی است و با پایان تحصیل زنان مهاجر به زادگاه خود بازمی‌گردند. مهاجرت‌های تبعی نیز بیشتر غیراختیاری است و زنان دنباله‌رو مرد سرپرست خانوار هستند. اگرچه وضعیت زنان ایرانی در شاخص‌های سلامت^۵ و بهداشت باروری نسبت به قبل بهبود پیدا کرده، الگوی جدیدی از

^۲ عنوان مقاله: «باروری، مرگومیر و امید به زندگی زنان در ایران»، نویسنده: شهلا کاظمی‌پور.

^۳ عنوان مقاله: «زنان و آموزش در ایران»، نویسندگان: مقصود فراسخواه، رضا منیعی، محمد آتشک.

^۴ عنوان مقاله: «مهاجرت داخلی زنان در ایران»، نویسندگان: محمد میرزائی، علی قاسمی اردهائی.

^۵ عنوان مقاله: «سلامت جسمی، بیماری و بهداشت باروری زنان» نویسنده: شیرین احمدنیا.

بیماری‌ها سلامتی آنان را به مخاطره انداخته است. زنان در حوزه سالمندی^۶ و سلامت روان^۷ علاوه بر اینکه کیفیت زندگی پایین‌تری نسبت به هم‌تایان مرد خود دارند، وضعیت سلامت روانی آنان نسبت به گذشته بدتر نیز شده است.

بنابراین، وضعیتی که زنان در سطح فردی تجربه کرده‌اند به لحاظ ویژگی‌های یادشده متجانس و همگن نبوده است. در برخی حوزه‌ها، آنها وضعیتی بهتر از مردان داشته‌اند، در برخی حوزه‌های دیگر وضعیتی رو به بهبود، ولی سطح پایین‌تر از آنان و در برخی موضوع‌ها موقعیت ضعیف‌تری را تجربه کرده‌اند.

در سطح متوسط تحلیل، خانواده مهم‌ترین نهاد میانجی فرد و جامعه در نظر گرفته شده است. این سطح شامل دو فصل روند ازدواج و طلاق، و دگرگونی ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی است. طی سال‌های اخیر، جامعه ایران روند صعودی سن ازدواج و تعداد طلاق‌ها^۸ را تجربه کرده است. تعداد طلاق در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از ایران و در کشورهای مسلمان کمتر از ایران است. خانواده ایرانی در سال‌های اخیر با تغییر در میزان ازدواج و طلاق از یکسو و تلاش برای ارتقای جایگاه زنان در ساختار خانواده^۹ یا حداقل کسب جایگاهی تعیین‌کننده‌تر در مناسبات خانواده از سوی دیگر روبرو بوده است. به این معنا که زنان، طی سال‌های اخیر، اگرچه با محدودیت‌های متعدد اجتماعی روبرو بوده‌اند، در پی روابطی عادلانه‌تر و مبتنی بر استقلال نیز بوده‌اند. تصویر زنان در سطح متوسط نشان می‌دهد که خانواده نسبت به قبل تغییرات مهمی را تجربه کرده که گاه موجب نگرانی‌هایی هم شده است، اما در مجموع زنان در دهه ۸۰ در خانواده جایگاه تعیین‌کننده‌تری پیدا کرده‌اند.

سطح کلان مفصل‌ترین بخش کتاب است و موضوعات آن در پنج فصل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و توسعه انسانی طبقه‌بندی شده‌اند.

وضعیت زنان در نظام اقتصادی: در موضوع اشتغال زنان^{۱۰} به طور عام و جایگیری آنها در مناصب مدیریتی^{۱۱} به طور خاص اگرچه روند روبه‌بهبودی در طی سال‌های اخیر ایجاد شده

^۶ عنوان مقاله: «ویژگی‌های جمعیتی زنان سالمند» نویسنده: زینب فیروزکاوه.

^۷ عنوان مقاله: «بررسی سلامت روان زنان در ایران» نویسندگان: احمدعلی نوربالا، فاطمه نوربالا.

^۸ عنوان مقاله: «تحلیل اجتماعی وضعیت و تغییرات ازدواج و طلاق» نویسنده: امید علی‌احمدی.

^۹ عنوان مقاله: «گرایش زنان به هنجارهای خانوادگی و آگاهی‌های جنسیتی؛ تحلیلی از یافته‌های پیمایش ملی»

نویسنده: محسن گودرزی.

^{۱۰} عنوان مقاله: «فقر معیشتی و اشتغال زنان در ایران» نویسندگان: حسین راغفر، میترا باباپور.

^{۱۱} عنوان مقاله: «جایگاه زنان در مناصب مدیریتی» نویسنده: زهرا نژادبهرام.

است، این روند با میزان رشد تحصیلات و دیگر توانمندی‌های زنان تطابق ندارد. ارزش کار خانگی^{۱۲} زنان سهم مهمی را در تولید ناخالص ملی به خود اختصاص داده است، اما در چرخه اقتصاد ملی به رسمیت شناخته نمی‌شود. زنان مسئول خانوار،^{۱۳} که سرپرستی خانواده را به‌دلیل متعدد به‌عهده گرفته‌اند، طیف متنوعی را دربرمی‌گیرند که نیازهای متفاوتی نیز دارند. این تنوع ضرورت اتخاذ سیاست‌های جداگانه درباب آنها را ایجاب می‌کند.

وضعیت زنان در نظام سیاسی: قضاوت درباره مشارکت سیاسی^{۱۴} زنان با وجود محدودیت دسترسی محققان به آمار و ارقام دقیق دشوار است. با وجود نوسان در مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی مثل احزاب، شوراها و مجلس می‌توان مدعی حضور بیشتر زنان نسبت به قبل شد. اما نکته حائز اهمیت این است که سهم زنان در مناصب مهم سیاسی^{۱۵} نظیر ریاست جمهوری، وزارت، سفارت، فرمانداری و استانداری، اگر هیچ نباشد، دست‌کم به چشم نمی‌آید.

وضعیت زنان در نظام فرهنگی: تفاوت‌های موجود میان اوقات فراغت زنان^{۱۶} و مردان طی سال‌های اخیر کاهش یافته است. اگرچه اشتغال و کار خانگی همچنان فرصت کمتری را برای فراغت زنان باقی گذاشته‌اند. به‌طورکلی، زنان کمتر از مردان برای فعالیت‌های فراغتی فرصت دارند و از میان آنان زنان شاغل کمترین فرصت را دارند. همین فرایند در حوزه انتشار کتاب^{۱۷} نیز صدق می‌کند؛ به‌این‌معنا که اگرچه زنان در حوزه نشر کتاب توانسته‌اند مشارکت فعال‌تری نسبت به قبل داشته باشند، در مقایسه با مردان، هنوز هم جایگاه محدودتری دارند. در حوزه مطبوعات^{۱۸} نیز وضعیتی مشابه وجود دارد. زنان در حوزه‌های مختلف فعالیت‌های مطبوعاتی اعم از مدیرمسئول، صاحب‌امتیاز و حضور در تصاویر صفحه اول مطبوعات وضعیتی حاشیه‌ای داشته‌اند. در عرصه هنر^{۱۹} نیز زنان با وجود فعالیت زیاد نتوانسته‌اند در تولید آثار هنری بزرگ با مردان رقابت کنند. درنهایت، به‌نظر می‌رسد فعالیت هنری برای زنان فعالیتی تفننی است و

^{۱۲} عنوان مقاله: «رزش اقتصادی کار خانگی زنان خانه‌دار» نویسندگان: حسن طائی، نرگس مرادی.

^{۱۳} عنوان مقاله: «سبل جدیدی از زنان سرپرست خانوار» نویسندگان: ژاله شادی‌طلب، پریسا نخعی.

^{۱۴} عنوان مقاله: «تحولات مشارکت سیاسی زنان» نویسنده: الهه کولایی.

^{۱۵} عنوان مقاله: «زنان و قدرت سیاسی در ایران» نویسنده: احمد گل‌محمدی.

^{۱۶} عنوان مقاله: «وضعیت حقوقی زنان» نویسنده: اشرف گرامی‌زادگان.

^{۱۷} عنوان مقاله: «جایگاه زنان در صنعت نشر» نویسنده: مجید صیادی.

^{۱۸} عنوان مقاله: «وضعیت زنان در مطبوعات و مطبوعات زنان در ایران» نویسنده: هادی خانیکی.

^{۱۹} عنوان مقاله: «حضور زنان در عرصه‌های گوناگون هنری» نویسنده: اعظم راودراد.

برای مردان ارزش انجام کاری حرفه‌ای را دارد. انتخاب زنان سرآمد^{۲۰} در داخل و خارج از کشور طی سال‌های اخیر افزایش یافته، هرچند همچنان در مقایسه با مردان نسبت آنان کمتر است. این پیشرفت در حوزه‌های ادبی و هنری برای زنان چشم‌گیرتر از دیگر حوزه‌ها بوده است.

وضعیت زنان در نظام اجتماعی: سازمان‌های مردم‌نهاد^{۲۱} ویژه زنان در دوره اصلاح‌طلبان هشت‌برابر افزایش یافته است. نوع سازمان‌های مردم‌نهاد در دوره اصلاحات و اصول‌گرایان متفاوت بوده است. در باب قوانین حقوقی^{۲۲} نیز چشم‌انداز کلی نشان می‌دهد که این قوانین به‌طور کلی پاسخگوی احقاق حقوق زنان نبوده‌اند. قوانین ایران درباره زنان با معیارهای کنوانسیون‌های بین‌المللی تفاوت زیادی دارد. ضروری است که در زمینه برخی مسائل اساسی حقوق زنان نظیر تابعیت زانی که با افراد خارجی ازدواج می‌کنند، طلاق، حضانت فرزندان، دیه و... با توجه به امکانات نظام حقوقی و فقهی اصلاحات اساسی صورت پذیرد.

زنان در دهه ۸۰ بیشتر از گذشته عامل جرم و بزهکاری^{۲۳} بوده‌اند. با وجود این، فقط حدود ۳ تا ۴ درصد از زندانیان زن هستند و با این رقم ایران در میان کشورهای اسلامی رتبه میانی را دارد. علت بزه‌دیدگی زنان^{۲۴} نسبت به مردان با دو عامل جرایم جنسی و خشونت خانگی از هم متمایز شده است. همچنین، مطالعات نشان داده که اغلب زنان در معرض خشونت خانگی قرار دارند. **توسعه انسانی:** وضعیت ایران در شاخص‌های جنسیتی مرتبط با توسعه انسانی^{۲۵} نظیر سلامت، آموزش، مشارکت اقتصادی، مشارکت در قدرت سیاسی و فرصت‌های ساختاری بررسی شده است. در شاخص سلامت، با اینکه میزان مرگ‌ومیر مادران هنگام زایمان کاهش یافته است، وضعیت باروری نوجوانان نگران‌کننده است. بسیاری از کشورهای عربی از نظر باروری نوجوانان از لحاظ کمی وضعیت بهتری نسبت به ایران دارند. در آموزش اگرچه نسبت زنان تحصیل‌کرده در دانشگاه طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ نسبت به مردان فزونی پیدا کرده، در سال‌های پایانی دهه ۸۰، ترکیب تحصیلات دانشگاهی در سیطره مردان قرار گرفته است.

^{۲۰} عنوان مقاله: «زنان برگزیده» نویسندگان: زهرا شجاعی، عارفه توانافر، سعیده چمنی، مریم فاضل.

^{۲۱} عنوان مقاله: «مشارکت اجتماعی زنان در ایران: تحلیل جنسیتی در سطح ملی و جهانی» نویسندگان: مرضیه موسوی خامنه، افسانه کمالی.

^{۲۲} عنوان مقاله: «وضعیت حقوقی زنان» نویسنده: اشرف گرامی‌زادگان.

^{۲۳} عنوان مقاله: «روند تحول جرم زنان» نویسندگان: سید حسین سراج‌زاده، احمد جعفری.

^{۲۴} عنوان مقاله: «ترس زنان از جرم و بزه دیدگی» نویسندگان: شهلا معظمی، نسیم جانفدا.

^{۲۵} عنوان مقاله: «مقایسه شاخص‌های جنسیتی ایران با کشورهای جهان و منطقه» نویسندگان: سوسن باستانی، منصوره اعظم‌آزاده، مرضیه مشتاقیان.

مشارکت اقتصادی، بیکاری دختران دارای تحصیلات دانشگاهی نسبت به تمام گروه‌های تحصیلی بیشتر و به مراتب بیشتر از بیکاری پسران است. درواقع، بازار کار ایران توانایی جذب دختران تحصیل کرده را ندارد. در زمینه مشارکت در قدرت سیاسی برای زنان، ایران یکی از نامطلوب‌ترین جایگاه‌ها را بین کشورهای منطقه داراست. توانایی ایران براساس شاخص‌های فرصت اقتصادی در بین کشورهای منطقه در ایجاد فرصت‌های ساختاری عمومی برای زنان نامطلوب تلقی می‌شود.

ویژگی‌های کتاب

در سال‌های اخیر، طیف متنوعی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در حوزه زنان به جریان افتاده است که از جمله آنها می‌توان به حوزه‌های آموزش، زادوولد و مسائل خانواده و ازدواج و درنهایت اشتغال اشاره کرد. این اقدامات غالباً در پی تغییراتی انجام شده که در شرایط اجتماعی زنان به وجود آمده و ساختار جامعه را دچار دگرگونی کرده است. در سویه دیگر، این پژوهش‌های حوزه زنان است که باید راه را به سیاست‌گذاران و اندیشمندان نشان دهد، اما اکثر این پژوهش‌ها خود کاستی‌هایی نظیر فقدان استقلال علمی، نادیده گرفتن مسائل زنان، به رسمیت نشناختن موضوع زنان، محدودیت انتخاب موضوع، جدایی پژوهش‌ها از مسائل عینی زنان و درنهایت ضعف تحلیل دارند.^{۲۶} نگاهی تخصصی و کاربردی به مسائل زنان از جمله ضرورت‌هایی است که سیاست‌گذاری پیرامون مسائل زنان را دقیق‌تر و به دور از شتابزدگی‌های سیاسی محقق می‌سازد.

بدیهی است که گام اول برای هر اقدام عالمانه‌ای شناخت وضعیت موجود است. با نگاهی گذرا به سابقه پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، به نظر می‌رسد کتاب وضعیت اجتماعی زنان در ایران توانسته است گام مهمی در ارائه چشم‌اندازی تخصصی از مسائل زنان در ایران بردارد. صرف‌نظر از پایان‌نامه‌های دانشجویی و مقالات تدوین‌شده در باب مسائل زنان، که غالباً گستره موضوعی، زمانی و نمونه‌ای محدودتری را در نظر داشته‌اند، پژوهش‌های جامع انجام‌شده در این حوزه انگشت‌شمار بوده‌اند. همان‌طور که در مقدمه کتاب بیان شده است، اولین اثر در این زمینه در سال ۱۳۵۲ تولید شده و در آن برخی ابعاد دگرگونی اجتماعی-اقتصادی زنان ایرانی گزارش شده است. دومین اثر در سال ۱۳۷۶ با عنوان شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی زنان در جمهوری اسلامی ایران منتشر شد که در آن به موضوع سواد، بهداشت، اشتغال، ازدواج و طلاق توجه شده بود. سال ۱۳۷۹ پژوهش دیگری با نام «ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی زنان در

^{۲۶} شفیع، سمیه‌سادات (۱۳۹۴) «چالش‌های پژوهش علوم اجتماعی در حوزه زنان در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷۰: ۲۲۹-۲۳۰.

ایران» عرضه شد که تنها به گزارش آماری از برخی خصوصیات زنان اکتفا شده بود. در سال ۱۳۹۰ پژوهشی با عنوان «زنان و زندگی شهری» تنها در بین ساکنان شهر تهران انجام شد و مجموعه آنها در سال ۱۳۹۴ در پنج جلد در مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران چاپ و منتشر شد. کلاتری و روشنفکر در سال ۱۳۹۰ در فصل سوم پژوهشی با عنوان «درآمدی بر مبانی نظریه‌پردازی و شاخص‌سازی بومی در حوزه زنان و بازخوانی تصاویر ارائه‌شده از وضعیت زنان ایران در شاخص‌های موجود» به گزارش وضعیت زنان، براساس شاخص‌های موجود در گزارش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی پرداختند (صفحات ۹-۱۰).

به نظر می‌رسد کتاب وضعیت اجتماعی زنان در ایران به لحاظ تنوع موضوعی، دامنه زمانی، و اهداف کاربردی و تحلیلی بیان‌شده از ویژگی‌های خوبی برخوردار است، از جمله اینکه:

- اغلب مقالات تدوین‌شده در این کتاب از چارچوب نظری غنی و البته کاربردی برای توضیح مسئله مورد نظر برخوردارند. برای نمونه، در مقاله «ویژگی‌های جمعیتی زنان سالمند» به تعریف سالمندی و تعیین‌کننده‌های اجتماعی وضعیت سالمندان نظیر سن، جنس، تأهل و تغییرات زناشویی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، نقش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی پرداخته شده است و سپس شواهد تجربی آن ارائه شده است. اگرچه در معدود مواردی مانند مقاله «وضعیت حقوقی زنان» تنها به تعریف مفاهیم اکتفا شده و بیشتر چشم‌اندازی از موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

- توانمندی در ارائه چارچوب نظری غنی و کارآمد به مقالات این مجموعه این ظرفیت را داده که علاوه بر توصیف وضعیت موجود، به تحلیل، تبیین و پیش‌بینی‌هایی نیز دست یابند. در مقاله «سلامت جسمی، بیماری و بهداشت باروری» با اتخاذ رویکرد مقابله با نابرابری در سلامت^{۲۷} و تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت^{۲۸} بیان شده است که الگوی بیماری‌ها در بین زنان ایران به سمت بیماری‌های مزمن تغییر کرده است. این مقاله تحولات در بیماری و سلامتی افراد را هماهنگ با تغییرات و تحولات ساختاری در جامعه دانسته است. از این‌رو،

^{۲۷} تأکید این رویکرد بر گسترش عدالت در سلامت، یا تأمین سلامت برای همه و کاستن از نابرابری‌های سلامت است، که ممکن است در سطح گروه‌های متفاوت اقتصادی-اجتماعی، گروه‌های درآمدی، گروه‌های قومی، گروه‌های مذهبی و حتی در سطحی وسیع‌تر در زمینه نابرابری‌های سلامت افراد در سطح مناطق شهری یا روستایی، استان‌های متفاوت مرکز-پیرامون، جوامع توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته با کشورهای شمال و جنوب نیز مطرح باشد (احمدنیا، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

^{۲۸} تأکید این رویکرد بر متغیرهایی چون سطح تحصیلات، رفتار فردی، دسترسی به مراقبت، عوامل محیطی، درآمد و بهرهمندی از بیمه‌های درمانی، تفاوت در کیفیت مراقبت‌های بهداشتی است که در وضعیت سلامت و بازده سلامت مؤثر شناخته می‌شوند (احمدنیا، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

اقداماتی را جهت ارتقای وضعیت سلامت زنان پیشنهاد داده است (احمدنیا، ۱۳۹۴: ۱۲۸-۱۲۹). همان‌طور که در هدف دوم^{۲۹} این مجموعه ذکر شده است، اکثر فصل‌های این کتاب مقایسه‌های مفصلی درباب وضعیت زنان ایرانی با زنان کشورهای دیگر ارائه داده‌اند. این مقایسه‌ها به مخاطب امکان می‌دهد تا درک درستی از واقعیت وضعیت زنان ایرانی داشته باشد که بدون این مقایسه دستیابی به این فهم بسیار دشوار است. برای نمونه، در مقاله «مقایسه شاخص‌های جنسیتی ایران با کشورهای جهان و منطقه» آمده است: «براساس شاخص شکاف جنسیتی سال ۲۰۱۲، ایران فقط حدود ۶۰ درصد از شکاف جنسیتی در مؤلفه‌های مورد سنجش را رفع کرده است». میزان ۶۰ درصد بیان‌شده، اگر بدون در نظر گرفتن وضعیت کشورهای دیگر مبنا قرار گیرد، خوش‌بینی زیادی درباب وضعیت زنان ایران ایجاد می‌کند. اما در چند سطر بعد، نویسنده بیان کرده است که «ایران در هر پنج شاخص توسعه جنسیتی، نابرابری جنسیتی، شکاف جنسیتی و فرصت‌های اقتصادی زنان در منطقه جایگاهی پایین‌تر از بحرین، امارات، عمان، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان دارد». بنابراین، از خلال این مقایسه‌ها، فهم واقع‌بینانه‌تری ایجاد شده است. این تفکیک منطقه‌ای در برخی مقالات دیگر نظیر «ترس زنان از جرم و بزه‌دیدگی» شکل دقیق‌تری پیدا کرده است. به این ترتیب که آمارهای به‌دست‌آمده در ایران به تفکیک با کشورهای ایالت متحده آمریکا و کانادا، اروپا و کشورهای آسیایی مقایسه شده است. همین تفکیک را می‌توان در مقاله «گذران اوقات فراغت و مصرف فرهنگی زنان» مشاهده کرد. نویسندگان وضعیت گذران اوقات فراغت زنان را در کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای در حال توسعه، کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ایالات متحده و کشورهای اسلامی جداگانه ارزیابی کرده‌اند.

• علاوه بر دامنه مکانی مقایسه‌های انجام‌شده، دامنه زمانی این مقایسه‌ها توانسته در ارائه چشم‌انداز تاریخی تحول و سیر موضوع به مخاطب کمک کند. برای نمونه، در مقاله «مشارکت اجتماعی زنان در ایران» توزیع انواع سازمان‌های مردم‌نهاد از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ بررسی شده است. طی این سال‌ها، فرایندی افزایشی را در رشد این قبیل سازمان‌ها می‌توان مشاهده کرد. در مقاله «تگرش زنان به هنجارهای خانوادگی و آگاهی‌های جنسیتی» شاخص‌های اصلی خانواده^{۳۰} از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ بررسی شده است. این سیر زمانی نشان

^{۲۹} مقایسه وضعیت زنان در سطح مناطق گوناگون کشور و همچنین وضعیت زنان ایرانی با زنان برخی دیگر از کشورها.

^{۳۰} میانگین سن ازدواج پسر- متوسط بعد خانوار- میزان باروری کل- نسبت ازدواج به طلاق- میانگین سن ازدواج دختر.

داده که میانگین سن ازدواج دختران و پسران افزایش پیدا کرده است؛ نسبت ازدواج به طلاق کاهش یافته است؛ و شدت افزایش طلاق باعث افول این شاخص شده است؛ بعد خانوار کاهش یافته است و میزان باروری کل نیز در فرایندی پیوسته تنزل یافته است. به این ترتیب، نویسندگان با ارائه سیری تاریخی توانسته تحولات وضعیت خانواده را در هریک از شاخص‌ها به‌طور جداگانه نشان دهد و در نهایت به استنتاجی درباب وضعیت خانواده ایرانی نائل شود. هرچند مقایسه‌های طولی که در اکثر مقالات این کتاب دیده می‌شود گاه با بازه زمانی تعریف‌شده (۱۳۸۰-۱۳۹۰) تطابق ندارد، رویکرد جامع‌نگر اتخاذ شده توانسته کمک شایانی برای فهم و تحلیل تغییرات وضعیت زنان ایران باشد.

• ویژگی مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد استفاده جامع از اطلاعات آماری مرتبط با موضوع در اکثر مقالات است؛ مثلاً در مقاله «زنان و آموزش در ایران»، در قسمت نخست، آمار دانش‌آموزی دوره ابتدایی، دوره راهنمایی، دوره متوسط، دوره پیش‌دانشگاهی به تفکیک جنس و محل سکونت در طول دهه ۸۰ ارائه شده است. در قسمت دوم، روند کل پذیرش دانشجویان مقاطع مختلف، و نیز روند پذیرش تعداد دانشجویان زن برحسب دستگاه اجرایی و آمار اعضای هیئت علمی تمام‌وقت به تفکیک جنسیت و مرتبه علمی ارائه شده است. البته در همه مقالات چنین جامعیتی از اطلاعات آماری را به دلایل مختلف نمی‌توان ملاحظه کرد. برای نمونه، در مقاله «تحولات مشارکت سیاسی زنان» به علت عدم دسترسی به اطلاعات کافی نویسنده به خوبی نتوانسته است مختصات دقیق مشارکت سیاسی زنان را ترسیم کند. ویژگی‌های مثبت دیگری نیز می‌توان برای کتاب برشمرد، از جمله اینکه هریک از نویسندگان در حوزه مطالعاتی خود متخصص بوده‌اند. بنابراین، مقالات در سطحی حرفه‌ای تدوین شده‌اند. اگرچه موضوع این کتاب مربوط به مسائل زنان است، در تدوین فصول مختلف کتاب نسبت تقریباً برابری از نویسندگان زن و مرد مشارکت داشته‌اند. این ویژگی نشان می‌دهد که گردآورنده این مجموعه در انتخاب نویسندگان از جانبداری‌های جنسیتی اجتناب کرده است. به عبارت دیگر، زنان می‌توانند میدانی را فراهم آورند که مردها نیز در آن مشارکت داشته باشند.

• به هر حال، این اثر نیز مانند آثار دیگر ناگزیر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. مطالعه سه سطح کلان، متوسط و خرد نشان می‌دهد که اغلب مباحث در سطح کلان^{۳۱} سازمان یافته‌اند. این عدم توازن شدید را می‌توان به دلایل متعددی نظیر اولویت داشتن مباحث کلان، تخصص نویسندگان یا حتی سیاست پژوهشی منتسب کرد. با وجود این، به نظر می‌رسد زنان در سطح

^{۳۱} توزیع مطالب در این سه سطح عبارتست از سطح خرد ۶ مبحث، سطح متوسط ۲ مبحث و سطح کلان ۱۶ مبحث.

خرد یا دست کم سطح میانی- یعنی مسائل مرتبط با خانواده- با مسائلی بسیار جدی روبه‌رو هستند که تأمل و بحث بیشتری را می‌طلبد.

• کل این اثر از الگویی یکسان در ارائه مقالات پیروی و تلاش کرده است اهداف تحلیلی و کاربردی‌ای را که در ابتدا نیز به آنها اشاره شد محقق کند، اما با نگاهی جزئی‌تر، مواردی را در این اثر مشاهده خواهیم کرد که از قاعده کلی این کتاب مستثنی است. برای نمونه، در مقاله «جایگاه زنان در صنعت نشر» مبحث چارچوب نظری، ارائه آمار و مستندات درباب موضوع، و مقایسه با دیگر کشورها ارائه نشده است. نویسندگان خود به نقص آمارهای مربوط به حوزه نشر اشاره دارد. اما درنهایت آنچه مطرح شده متفاوت با دیگر مقالات است. این موضوع در فصل «وضعیت حقوقی زنان» هم صدق می‌کند. در این مبحث هم چارچوب نظری‌ای که تبیین‌کننده وضعیت حقوقی زنان باشد دیده نمی‌شود و به جای آن تنها به طرح مفاهیم حقوقی به‌منزله چارچوب مفهومی اکتفا شده، از ارائه آمار ملی و بین‌المللی درباره وضعیت حقوقی زنان اجتناب شده، و صرفاً به قوانین مصوب درباره وضعیت زنان اکتفا شده است. البته ارائه نکردن این آمار یا چارچوب نظری به‌تنهایی نمی‌تواند نقص مقاله محسوب شود، اما آنچه مورد نظر است خروج برخی مقالات از قاعده غالب این کتاب است که به دلایلی مثل ضعف آمار یا نگرش متفاوت نویسندگان به مسئله بازمی‌گردد.

در این نوشتار مختصر، همان‌طور که پیشتر بیان شد، سعی بر آن بود تا نمایی از وضعیت زنان در جامعه ایران، به‌طوری‌که در این کتاب ترسیم شده است، ارائه شود، تصویری که قطعاً با توجه به ویژگی‌های بیان‌شده از این اثر بیشترین نزدیکی را به واقعیت خواهد داشت. درکنار فراز و فرودهایی که از وضعیت زنان در جامعه ایران به نمایش گذاشته شده است، این اثر نشان می‌دهد که چرا با وجود رشد وضعیت زنان در سطح فردی و متوسط، جایگاه آنان در سطح نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به‌خوبی ارتقا پیدا نکرده است؛ چالش‌های اساسی در زمینه سیاست‌گذاری‌های زنان کدام‌اند؛ و درنهایت، بهبود وضعیت زنان نیازمند کدام اقدامات اساسی است.

همچنین، در فصل آخر کتاب، جمع‌بندی و استنتاج واقع‌بینانه‌ای ارائه و از تحلیل‌های جانبدارانه پرهیز شده است. در این زمینه، به این نکته اشاره شده که پیشرفت‌های حاصل‌شده در وضعیت زنان به‌تنهایی ناشی از سیاست‌های نظام سیاسی نبوده است، بلکه تا حد زیادی حاصل تحولات مختلف در ساختارهای اجتماعی و به‌ویژه دگرگونی ارزش‌های فرهنگی جامعه و همچنین روند تغییرات در سطح جهانی بوده است. درعین حال، به این واقعیت هم توجه شده که تغییر و بهبود در زندگی شخصی زنان و وضعیت آنان در جامعه در کوتاه‌مدت و فقط با تکیه

بر اقدامات دولتی محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند کنشگری و تقویت عاملیت خود زنان است. با عنایت به نابرابری‌های موجود، می‌توان گفت، درمقایسه با مردان، زنان برای دستیابی به اهداف خود باید مسیر پرپیچ‌وخم‌تری را پشت سر بگذارند، اما بدون شک، رشد و بهزیستی آنان در پیشرفت جامعه‌شان تأثیری انکارناشدنی دارد.

این کتاب به‌منزله مجموعه‌ی جامعی از مباحث پژوهشی و تحلیلی درباره‌ی وضعیت زنان، ازجمله آثاری است که در سال‌های آتی پژوهندگان، فعالان و مدیران حوزه‌ی زنان نیازمند رجوع به آن خواهند بود. گواه این ادعا تجدید چاپ آن در فاصله‌ی کوتاه یک‌سال است.